

جزء بیست و ششم

این جزء از آیه 1 سوره احقاف آغاز و تا آیه
30 سوره ذاریات ادامه دارد.

در این جز سوره احقاف، محمد، فتح، حجرات و بخشی
از سوره ذاریات قرار دارد.

ahlolbait.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾

این کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر

حکیم است. (۲)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ
وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا
مُغْرَضُونَ ﴿٣﴾

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دوست، جز به حق و تا
سرآمدی معین نیافریدیم، و کافران از آنچه بیمشان داده‌اند، روی
گردانند. (۳)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ
الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ۖ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ
قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤﴾

[به مشرکان] بگو: به من خبر دهید [و نشانم دهید] معبودانی که به جای خدا
می پرستید چه چیزی از زمین را آفریده اند یا مگر آنان را در آفرینش آسمان ها
مشارکتی است؟ اگر راستگو هستید کتابی پیش از این قرآن یا بازمانده ای از
دانش استواری [که ادعای شما را تصدیق کند] برای من بیاورید؛ (۴)

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿٥﴾

و چه کسانی گمراه ترند از کسانی که به جای خدا معبودانی را
می خوانند که تا روز قیامت پاسخشان را نمی دهند و آنان از
خواندنشان بی خبرند؟ (۵)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ
كَافِرِينَ ﴿٦﴾

و هنگامی که مردم را [در قیامت] گرد آورند [معبودانشان] با
آنان دشمن باشند و پرستش آنان را انکار کنند، (۶)

وَإِذَا تُلِّیٰ عَلَیْهِمْ آیَاتُنَا بَیِّنَاتٍ قَالَ الَّذِیْنَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا
جَاءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِیْنٌ ﴿۷﴾

و چون آیات روشن ما را بر آنان بخوانند، کافران درباره حقی که به
سویشان آمده می گویند: این جادویی آشکار است. (۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ^ط قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا^ط هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ^ط كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ^ط وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٨﴾

بلکه می گویند: این قرآن را از نزد خود ساخته و به خدا نسبت داده است. بگو: اگر آن را از نزد خود ساخته و به خدا نسبت داده باشم [و خدا بخواهد برای این کار مرا به عذابی سخت گرفتار کند] شما نمی توانید برای من چیزی از عذاب خدا را دفع کنید، خدا به باطلی که در آن فرو می روید [و آن طعنه زدن به قرآن و جادو خواندن آن است] داناتر است، و کافی است که خدا میان من و شما گواه باشد، و او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۸)

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا
بِكُمْ ۖ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ
مُّبِينٌ ﴿٩﴾

بگو: از میان فرستادگان خدا فرستاده‌ای نوظهور نیستم [که گفتار و کردارم مخالف
گفتار و کردار آنان باشد، بلکه به من هم چون آنان وحی می‌شود] و نمی‌دانم با من و
شما [در دنیا و آخرت] چه خواهد شد، من فقط از آنچه به من وحی شده پیروی
می‌کنم، و من جز بیم دهنده‌ای آشکار نیستم. (۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ
مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾

بگو: به من خبر دهید که اگر این قرآن از ناحیه خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید و
شاهدی هم از بنی اسرائیل به نظیر آن [که تورات واقعی و تصدیق کننده قرآن است]
شهادت داده باشد [که همان طوری که تورات وحی خداست، قرآن هم وحی خداست و]
پس [از شهادتش به قرآن] ایمان آورده باشد و شما از ایمان به آن تکبر ورزیده باشید [آیا
گمراه نبوده‌اید؟] بی تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند. (۱۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا
إِلَيْهِ ۚ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ﴿١١﴾

و کافران درباره مؤمنان گفتند: اگر [آیین محمد] بهتر [از آیین ما] بود [آنان در پذیرفتنش] بر ما نسبت به آن پیشی نمی گرفتند [بلکه خود ما زودتر از آنان به این کتاب ایمان می آوردیم]. و چون [خودشان به خاطر کبر و عنادشان] به وسیله آن هدایت نیافتند، به زودی خواهند گفت: این یک دروغ قدیمی است. (۱۱)

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ وَهَذَا كِتَابٌ
مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى
لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾

[چگونه یک دروغ قدیمی است] در حالی که پیش از آن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود [و از نزول آن بر پیامبر اسلام خبر داده]، و این قرآن تصدیق کننده [آن] است در حالی که به زبان عربی [فصیح و گویا] ست تا ستمکاران را بیم دهد، و برای نیکوکاران بشارتی باشد. (۱۲)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس [در
میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان
است و نه اندوهگین می شوند. (۱۳)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

اینان اهل بهشت اند که به پاداش اعمال شایسته‌ای که
همواره انجام می‌دادند، در آن جاودانه‌اند. (۱۴)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمَلُهُ
 وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي
 أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
 وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۖ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾

و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و
 زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید. و دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی
 ماه است، تا زمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد، گوید: پروردگارا!
 به من الهام کن تا نعمت را که بر من و پدر و مادرم عطا کرده‌ای سپاس گزارم، و کار
 شایسته‌ای که آن را می‌پسندی انجام دهم و ذریه و نسل مرا برای من صالح و شایسته گردان
 که من به سوی تو بازگشتم و به یقین از تسلیم شدگان [به فرمان‌ها و احکام] توام. (۱۵)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ
سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا
يُوعِدُونَ ﴿١٦﴾

اینانند کسانی که ما از آنان بهترین اعمالی که انجام داده‌اند می‌پذیریم، و از
گناهانشان در زمره اهل بهشت در می‌گذریم؛ [خدا وعده داد] وعده درست و
راست که همواره به آن وعده داده می‌شدند؛ (۱۶)

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ
 مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْبِرَانِ اللَّهُ وَبِئْسَ مَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَيَقُولُ مَا
 هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾

و کسی که به پدر و مادرش گفت: اُف بر شما! [من از شما متنفر و دلتنگم]، آیا به من وعده می‌دهید که [پس از مرگ] زنده خواهم شد، در حالی که پیش از من اقوام بسیاری در گذشتند، [و هیچ کدام از آنان زنده نشدند]. و آن دو همواره [برای بازگشت فرزندشان] از خدا یاری می‌خواهند [و به فرزندشان می‌گویند: وای بر تو ایمان بیاور، بی تردید وعده خدا [درباره سعادت و رستگاری مؤمنان در قیامت و شقاوت و بدبختی کافران] حق است. [ولی او در پاسخشان] می‌گوید: این [وعده‌ها] جز افسانه‌های گذشتگان نیست!! (۱۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ
مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٨﴾

اینانند کسانی که [به خاطر انکار وعده‌های حق] فرمان عذاب
درباره آنان در زمره گروه‌هایی از جن و انس که پیش از آنان در
گذشتند، محقق و ثابت شده است؛ زیرا آنان زیانکار بودند. (۱۸)

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَلِيُؤَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾

برای هر کدام [از گروه مؤمنان و کافران] بر پایه اعمالی که انجام داده‌اند درجاتی است [که در آن قرار می‌گیرند]، و تا خدا اعمالشان را به طور کامل به آنان بدهد؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند. (۱۹)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي
 حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا
 كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ
 تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

و روزی که کافران را بر آتش عرضه کنند [به آنان گویند:] نعمت‌های پاکیزه خود را [که می‌توانست وسیله آبادی آخرتتان باشد] در زندگی دنیایتان مصرف کردید و [همانجا] از آن برخوردار شدید؛ بنابراین امروز به سبب اینکه به ناحق در زمین تکبر می‌ورزیدید و در برابر اینکه همواره نافرمانی می‌کردید با عذاب خفت بار کیفر می‌یابید. (۲۰)

وَإِذْ كُنَّا أَهْلًا عَادٍ إِذْ أَنْذَرْنَا قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النُّذُرُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ
عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾

و [سرگذشت هود] برادر قوم عاد را یاد کن، هنگامی که قومش را در سرزمین احقاف
بیم داد، و بی تردید بیم دهندگانی پیش از او و پس از او [در آن سرزمین] گذشته بودند
که فقط خدا را پرستید؛ زیرا من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۲۱)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنْ
الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾

گفتند: آیا آمده‌ای تا ما را از [پرستش] معبودانمان بر گردانی، پس
اگر راستگویی عذابی که ما را تهدید می‌کنی بیاور! (۲۲)

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي
أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٣﴾

گفت: آگاهی [به کیفیت عذاب و زمان آمدنش] فقط نزد خداست، و
من آیینی را که به آن فرستاده شده ام به شما ابلاغ می کنم، ولی من
شما را گروهی می دانم که همواره نادانی می کنید. (۲۳)

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ
مُمْطِرُنَا ۚ بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾

پس هنگامی که عذاب را [در پهنه فضا] به صورت ابری گسترده دیدند که به سوی درّه‌ها و آبگیرهایشان روی آورده، گفتند: این ابری باران را برای ماست. [هود گفت: نه] بلکه این همان چیزی است که آن را به شتاب خواستید، بادی است که در آن عذابی دردناک است؛ (۲۴)

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا
مَسَاكِنُهُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾

[چنان بادی است که] همه چیز را به فرمان پروردگارش در هم می کوبد و نابود می کند. پس آنان [به سبب آن عذاب] چنان شدند که جز خانه هایشان دیده نمی شد. این گونه مردم گناهکار را کیفر می دهیم. (۲۵)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا
وَأَفِيدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفِيدَتُهُمْ مِنْ
شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٢٦﴾

همانا ما به آنان در اموری قدرت و تمکن داده بودیم که شما را در آن امور
چنان قدرت و نیرویی نداده‌ایم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار داده
بودیم، ولی گوش و چشم و دلشان چیزی از عذاب را از آنان برطرف نکرد؛
زیرا همواره [با داشتن آن ابزار تشخیص] آیات ما را انکار می‌کردند، و
سرانجام عذابی که همواره آن را مسخره می‌کردند، آنان را احاطه کرد. (۲۶)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾

و به راستی ما [اهل] آبادی‌هایی را که پیرامون شما [اهل مکه] بودند
[به کیفر طغیانشان] هلاک کردیم و آیات خود را به صورت‌های
گوناگون [برای آنان] بیان داشتیم، باشد که برگردند. (۲۷)

فَلَوْلَا نَصَرَ هُمْ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ
ضَلُّوا عَنْهُمْ^ج وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

پس چرا معبودانی که به جای خدا انتخاب کردند به گمان اینکه آنان را به خدا نزدیک کند، آنان را [هنگام نزول عذاب] یاری نکردند بلکه [گم شده] از دستشان رفتند، و این بود [سرانجام و نتیجه] دروغشان و آنچه را همواره افترا می زدند. (۲۸)

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا
حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ
مُنْذِرِينَ ﴿٢٩﴾

و [یاد کن] هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه کردیم که قرآن را بشنوند، پس وقتی که نزد قرائت آن حاضر شدند، گفتند: [برای شنیدن قرآن] خاموش باشید. پس چون قرائت پایان یافت به سوی قومشان در حالی که گفتند: بیم دهنده بودند، بازگشتند. شنیدیم که (۲۹)

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ
مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٠﴾

ای قوم ما! به راستی ما کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده
است، تصدیق کننده همه کتاب‌های پیش از خود است، به سوی
حق و به سوی راه راست هدایت می‌کند. (۳۰)

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ
ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرَكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣١﴾

ای قوم ما! دعوت کننده [به سوی] خدا [پیامبر اسلام] را اجابت
کنید و به او ایمان آورید تا خدا برخی از گناهانتان را بیامرزد و از
عذابی دردناک پناهتان دهد؛ (۳۱)

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ
لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۚ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٢﴾

و آنان که دعوت کننده خدا را اجابت نکنند نمی توانند [خدا را] در زمین عاجز
کند [تا از دسترس قدرت او بیرون روند] و آنان را در برابر خدا یاورانی نیست
[که عذاب را از آنان دفع کند]، اینان در گمراهی آشکاری هستند. (۳۲)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ
يَغْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۚ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۳﴾

آیا ندانسته‌اند خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آفرینش
آنها درمانده و خسته نشد، قدرت دارد که مردگان را زنده کند؟
آری، او بر هر کاری تواناست؛ (۳۳)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۖ
قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ
تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾

و روزی که کافران را بر آتش عرضه می کنند [از آنان می پرسند: آیا این حق نیست؟ می گویند: آری! سوگند به پروردگارمان حق است، [پرسش کننده] می گوید: پس این عذاب را برای آنکه همواره کفر می ورزیدید، بچشید. (۳۴)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ
لَهُمْ ۚ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً
مِنْ نَهَارٍ ۚ بَلَاغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

پس صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، و برای آنان در [نزول عذاب] شتاب مکن، روزی که آنان آنچه را که وعده داده می شوند ببینند، گویی فقط ساعتی از یک روز [در دنیا] درنگ داشتند؛ [این قرآن] ابلاغی است برای همه؛ پس آیا جز مردم نافرمان هلاک می شوند؟ (۳۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آنان که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند خدا اعمالشان

را باطل و تباه ساخت؛ (۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ
مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۖ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ
بِاللَّهِمْ ﴿٢﴾

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و به آنچه
بر محمد نازل شده که از سوی پروردگارشان حق است گرویدند،
خدا گناهانشان را از آنان محو کرد و حالشان را اصلاح نمود. (۲)

ذٰلِكَ بِاَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اتَّبَعُوْا الْبَاطِلَ وَاَنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
اتَّبَعُوْا الْحَقَّ مِنْ رَّبِّهِمْ ۚ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ
اَمْثَالَهُمْ ﴿۳﴾

این به سبب آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از
حق که از سوی پروردگار آنان است، پیروی نمودند. این گونه
خدا برای مردم اوصافشان را بیان می کند. (۳)

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا
 الْوَتَاقَ فَمَا مَنَا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ
 يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ ۖ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ ﴿٤﴾

پس هنگامی که [در میدان جنگ] با کافران روبرو شدید، گردن‌هایشان را به شدت بزنید تا آن گاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای درآورید، در این هنگام [از دشمن اسیر بگیرید و] آنان را محکم ببندید، [پس از اسیر گرفتن] یا بر آنان منت نهید [و آزادشان کنید]، یا از آنان [در برابر آزاد کردنشان] فدیة و عوض بگیرید تا آنجا که جنگ بارهای سنگینش را بر زمین نهد. این است [فرمان خدا]؛ و اگر خدا می‌خواست [خود بدون فرمان جنگ] از آنان انتقام می‌گرفت [ولی به جنگ فرمان داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید، و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند، خدا هرگز اعمالشان را باطل و تباه نمی‌کند. (۴)

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾

[خدا] آنان را به زودی [به سر منزل خوشبختی و کرامت]

هدایت می کند و حالشان را اصلاح می نماید؛ (۵)

وَيُذْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾

و آنان را در بهشتی که در دنیا به آنان شناسانده در می آورد. (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ
أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری
می کند و گام هایتان را محکم و استوار می سازد؛ (۷)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأُضَلَّ أَعْمَالُهُمْ ﴿٨﴾

و بر کافران هلاکت و نابودی باد و [خدا] اعمالشان را باطل
و تباه ساخت. (۸)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاَخْبَطَ اَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾

این برای آن است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش
نداشتند، پس خدا هم اعمالشان را تباه و بی اثر کرد. (۹)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
 مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ﴿١٠﴾

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که
 پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ خدا آنان را درهم کوبید و نابود کرد و
 نیز برای این کافران همانند آنان [عذابی قطعی و ثابت] است. (۱۰)

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَّ اَنَّ الْكَافِرِيْنَ لَا مَوْلٰى
لَهُمْ ﴿١١﴾

این [پیروزی مؤمنان و نابودی کافران] به سبب این است که خدا
سرپرست و یاور کسانی است که ایمان آورده‌اند، و کافران را
سرپرست و یاری نیست. (۱۱)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ
وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ﴿١٢﴾

بی تردید خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در بهشت‌هایی
که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در می‌آورد، و در حالی که کافران همواره
سرگرم بهره‌گیری از [کالا و لذت‌های زودگذر] دنیا می‌باشند و می‌خورند، همان گونه که
چهارپایان می‌خورند و جایگاهشان آتش است. (۱۲)

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ
أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾

چه بسیار آبادی‌هایی که [اهلش] از [اهل] آبادی تو که تو را بیرون
کرده‌اند نیرومندتر بودند، ما آنان را هلاک کردیم و یابوری [در
برابر عذاب] برای آنان نبود. (۱۳)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٤﴾

آیا کسانی که بر دلیل روشنی از پروردگار خویش اند، مانند
کسانی هستند که عمل زشتشان برای آنان آراسته شده و از هواهای
نفسانی خود پیروی کرده اند؟ (۱۴)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ
 مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ
 عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ
 هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾

صفت بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده [چنین است:] در آن نهرهایی است از آبی
 که مزه و رنگش برنگشته و نهرهایی از شیر که طعمش دگرگون نشده و نهرهایی از شراب
 که برای نوشندگان مایه لذت است و نهرهایی از عسل خالص است، و در آن از هر گونه
 میوه‌ای برای آنان فراهم است، و نیز آمرزشی از سوی پروردگارشان [ویژه آنان است. آیا
 اینان] مانند کسانی هستند که در آتش همیشگی و جاودانه‌اند، و از آبی جوشان به آنان
 می‌نوشانند که روده‌هایشان را متلاشی می‌کند؟! (۱۵)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ
عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾

گروهی از آنان [که منافق اند در ظاهر به گفتارت] گوش می دهند، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون روند به کسانی که آگاهی و معرفت به آنان داده شده [از روی مسخره] می گویند: هم اکنون چه گفت؟ [ما که گفته او را نفهمیدیم.] آنان کسانی هستند که خدا بر دل هایشان مهر [تیره بختی] نهاده و از هواهای نفسانی خود پیروی کرده اند، (۱۶)

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾

و کسانی که هدایت یافته‌اند خدا بر هدایتشان افزوده و
پرهیزکاری و تقوایشان را به آنان عطا کرده است؛ (۱۷)

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ^{صَلَتْ} فَقَدْ جَاءَ
أَشْرَاطُهَا ^ج فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴿١٨﴾

پس آیا [منافقان و منکران] جز این را انتظار می‌برند که ناگاه قیامت بر آنان فرا رسد؟
[در حالی که هم اکنون نشانه‌هایش آمده است]، پس هنگامی که قیامت بر آنان فرا
رسد، متذکر شدن و هوشیاری شان از کجا و چگونه به آنان سود بخشد؟ (۱۸)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمُ وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ

پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست [بنابراین بر معرفت و آگاهی نسبت به حق استوار باش]؛ و از میان رفتن [توطئه‌ها و موانعی که به وسیله دشمنان در راه پیشرفت دعوت به اسلام] برای تو و مردان و زنان با ایمان ایجاد شده از خدا بخواه، و برای زنان و مردان مؤمن طلب آمرزش کن و خدا محل رفت و بازگشت شما و قرارگاهتان را می‌داند. (۱۹)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ ۖ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ
 مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ ۖ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
 يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَأُولَٰئِ

لَهُمْ ﴿٢٠﴾

مؤمنان می گویند: چرا سوره ای [در رابطه با فرمان جهاد] نازل نمی شود؟ ولی هنگامی که سوره ای محکم و بی شبهه نازل می شود و در آن از جهاد سخن به میان آمده است، آنان را که در دل هایشان بیماری است، می بینی مانند کسی که در بیهوشی مرگ افتاده، به تو می نگرند و سزاوارشان هم [به سبب بیمار دلی] همین حالت است. (۲۰)

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ ۚ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ
لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ﴿٢١﴾

[ولی] فرمانبرداری [از خدا و پیامبر] و سخن پسندیده و نیک [نه اظهار کراهت و ناخشنودی از جهاد] برای آنان شایسته تر است. پس اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی و مسلم شود با خدا از سر صدق و راستی درآیند، بی تردید برای آنان بهتر است. (۲۱)

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا
أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾

پس اگر [از خدا و پیامبر] روی گردان شوید آیا از شما جز این
انتظار می رود که در زمین فساد کنید و [بر سر مال و منال دنیا]
قطع رحم نمایید؟ (۲۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ﴿٢٣﴾

آنان [که روی گردانند] کسانی هستند که خدا لعنتشان کرده و گوش [دل] شان را کر و چشم [بصیرت] شان را کور کرده است.

(۲۳)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾

آیا در قرآن نمی اندیشند [تاحقایق را بفهمند] یا بر دل هایشان

قفل هایی قرار دارد؟ (۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ
الْهُدَىٰ ۖ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ﴿٢٥﴾

بی تردید کسانی که پس از روشن شدن هدایت برای آنان [به همان عقاید باطل و کردار ناپسندشان] برگشتند [و دست از قرآن و پیامبر برداشتند] شیطان زشتی‌هایشان را در نظرشان آراست و آنان را در آرزوهای دور و دراز انداخت. (۲۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي
بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾

این به سبب آن است که آنان به کسانی [چون مشرکان و کافران] که نازل شدن وحی را
خوش نداشتند، گفتند: [ما] در بعضی از امور [که بر ضد مؤمنان است] از شما
اطاعت خواهیم کرد. در حالی که خدا اسرارشان را می‌داند. (۲۶)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ
وَأَذْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾

پس حال و وضعشان زمانی که فرشتگان جانشان را می گیرند در
حالی که بر صورت و پشتشان [تازیانه عذاب] می زنند، چگونه
خواهد بود؟! (۲۷)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا اَسْخَطَ اللّٰهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهٗ فَاَحْبَطَ
اَعْمَالَهُمْ ﴿۲۸﴾

این عذاب برای این است که آنان از آنچه خدا را به خشم آورده
پیروی کردند، و خشنودی او را خوش نداشتند در نتیجه اعمالشان
را تباه و بی اثر کرد. (۲۸)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ
أَصْغَانَهُمْ ﴿٢٩﴾

بلکه کسانی که در دلهایشان بیماری است، گمان کردند که
خدا کینه‌هایشان را آشکار نخواهد کرد. (۲۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ ۚ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾

و اگر بخواهیم یقیناً آنان را به تو نشان می دهیم تا آنان را از روی
نشانه هایشان بشناسی، و بی تردید آنان را از شیوه سخن گفتن
خواهی شناخت؛ و خدا کارهای شما را می داند. (۳۰)

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ
أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾

به یقین ما شما را امتحان می کنیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص
نماییم، و اخبار شما را نیز [که اعمال و اسرار شماست] می آزماییم [تا صدق
و کذب شما را در همه امور معلوم بداریم.] (۳۱)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ
أَعْمَالُهُمْ ﴿٣٢﴾

مسلمانان آنان که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند و پس از آنکه هدایت
برای آنان روشن شد با پیامبر به شدت دشمنی نمودند، هرگز هیچ زیانی به خدا
نمی‌رسانند و خدا به زودی اعمالشان را تباه و بی اثر می‌کند. (۳۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا
تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾

ای اهل ایمان! خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و
اعمالتان را [با تخلف از دستورهای خدا و پیامبر، شرک، نفاق، منت
گذاری و ریا] باطل نکنید. (۳۳)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ
كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾

مسلماناً کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند، سپس در
حال کفر از دنیا رفتند، هرگز خدا آنان را نمی‌آمرزد. (۳۴)

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ
وَلَنْ يَتْرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾

پس [با توجه به یاری و کارسازی خدا] سست نشوید و [کافران و مشرکان را] به آشتی و
صلحی [که برای شما خفّت بار است] دعوت نکنید، در حالی که شما برتر هستید و
خدا با شماست و هرگز از [ثواب و پاداش] اعمالتان نمی‌کاهد. (۳۵)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ جَ وَإِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ
أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾

زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است، اگر ایمان بیاورید و
پرهیزکاری کنید، خدا پاداش هایتان را می دهد و از شما
نمی خواهد [که] اموالتان را [در راه خدا انفاق کنید؛] (۳۶)

إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخُلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ ﴿٣٧﴾

اگر همه اموال شما را بخواهد و بر شما اصرار ورزد، بخل می کنید
و [سبب می شود که] کینه های درونی شما را بیرون بریزد [و آن
زمان است که گمراه می شوید.] (۳۷)

هَآ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ ^ط
 وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ ^ج وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ ^ج
 وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ﴿٣٨﴾

آگاه باشید! شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، پس برخی از شما بخل می‌ورزند، و هر که بخل پیشه کند، فقط نسبت به [سعادت و خوشبختی] خود بخیل است، و خدا [از انفاق و صدقات شما] بی‌نیاز است، و شما باید که نیازمند هستید؛ و اگر [از فرمان‌های او] روی بگردانید به جای شما گروه دیگری را می‌آورد که مانند شما [روی گردان، سست عقیده و بخیل] نخواهند بود. (۳۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

به راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم؛ (۱)

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ
عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾

تا خدا [با این پیروزی آشکار] آنچه را [به وسیله دشمنان از توطئه‌ها و موانع و مشکلات در راه پیشرفت دعوت به اسلام] در گذشته پیش آمده و آینده پیش خواهد آمد از میان بردارد، و نعمتش را بر تو کامل کند، و به راهی راست راهنمایی ات نماید؛ (۲)

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ﴿٣﴾

و خدا تو را به نصرتی توانمندانه و شکست ناپذیر یاری دهد. (۳)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا
 إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ ۖ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ
 اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾

اوست که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان
 بیفزاید. و سپاهیان آسمان و زمین فقط در سیطره مالکیت و
 فرمانروایی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (۴)

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَلِكَ
 عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾

تا مردان و زنان مؤمن را در بهشت‌هایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها
 جاری است در حالی که در آن جاودانه‌اند، و گناهانشان را از آنان محو کند، و
 این [سرانجام نیک] نزد خدا کامیابی بزرگ است. (۵)

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ
الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ ۚ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۖ وَغَضِبَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾

و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند عذاب کند؛
پیشامد بد زمانه فقط بر خودشان باد. خدا بر آنان خشم گرفته، و لعنتشان کرده است و
دوزخ را برای آنان آماده نموده و بد بازگشت گاهی است. (۶)

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا
حَكِيمًا ﴿٧﴾

سپاهیان آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی
خداست؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۷)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾

ما تورا گواه [بر اعمال امت] و مژده رسان و بیم دهنده

فرستادیم؛ (۸)

لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا ﴿۹﴾

تا [ہمہ شما مردم] بہ خدا و پیامبرش ایمان آورید و او را یاری
دہید و بزرگش بشمارید و بامداد و شام گاہ تسبیحش گوید۔ (۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ
 فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ
 عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾

به یقین کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند؛ قدرت
 خدا بالاتر از همه قدرتهاست. پس کسی که پیمان می شکند فقط به زیان خود
 می شکند، و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به زودی پاداشی
 بزرگ به او می دهد. (۱۰)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ
 لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ۚ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ
 شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا ۚ بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرًا ﴿١١﴾

کسانی از بادیه نشینان که از جنگ [با دشمن] تخلف کردند به زودی [از روی بهانه
 جویی] به تو می گویند: اموال و خانواده مان ما را به خود مشغول کردند [به این سبب
 نتوانستیم به جنگ آییم]؛ پس برای ما آمرزش بخواه. با زبان هایشان چیزی می گویند که در
 دل هایشان نیست. بگو: اگر خدا زیانی یا سودی را برای شما بخواهد چه کسی می تواند در
 برابر خدا از شما دفاع کند؟ بلکه خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۱)

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ
 أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ
 قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾

[تخلف شما از جنگ، ربطی به اموال و خانواده تان نداشت] بلکه پنداشتید پیامبر و
 مؤمنان هرگز به کسان خود باز نمی گردند، و این پندار باطل در دلهایتان آراسته شد، و
 گمان بد بردید [که خدا پیامبر و مؤمنان را یاری نخواهد کرد] و شما [به سبب این پندار
 باطل و گمان بد] قومی نابودشدنی هستید. (۱۲)

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
سَعِيرًا ﴿١٣﴾

و هر کس به خدا و پیامبرش ایمان نیاورد [زیانی به خدا و پیامبر
نمی‌رساند]، ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده‌ایم. (۱۳)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ يَعْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
 مَن يَشَاءُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾

و مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره خداست، هر
 کس را بخواهد می‌آمرزد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند؛ و خدا
 همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴)

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا
 نَتَّبِعْكُمْ^ط يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ^ج قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ
 اللَّهُ مِنْ قَبْلُ^ط فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا^ج بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا
 قَلِيلًا ﴿١٥﴾

هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی روانه [میدان جنگی] می شوید، متخلفان [از جنگ
 حدیبیه] به زودی خواهند گفت: بگذارید ما هم به دنبال شما بیاییم. [این سبک مغزان سودجو]
 می خواهند وعده خدا را [که به مؤمنان وعده پیروزی و غنیمت داد و به منافقان وعده محرومیت از
 غنیمت و رحمت داده است] تغییر دهند. بگو: هرگز دنبال ما نخواهید آمد؛ این گونه خدا پیش از
 این [درباره شما] فرموده است. اما [این گروه بی شرم] به زودی خواهند گفت: شما نسبت به ما
 حسد می ورزید، [چنین نیست] بلکه آنان جز اندکی نمی فهمند. (۱۵)

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ
تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ ۖ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ۖ وَإِنْ
تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾

به متخلفانِ بادیه نشین بگو: به زودی به سوی گروهی سرسخت و نیرومند دعوت
خواهید شد که با آنان بجنگید، یا آنکه اسلام آورند؛ پس اگر اطاعت کنید خدا پاداش
نیکی به شما خواهد داد، و اگر روی برگردانید، همان گونه که پیش از این روی
گردانید، شما را به عذابی دردناک عذاب خواهد کرد. (۱۶)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى
 الْمَرِيضِ حَرْجٌ^ق وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ^ط وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾

بر نابینا و لنگ و بیمار [اگر در جنگ شرکت نکنند] گناهی نیست. و کسی که از خدا و
 پیامبرش اطاعت کند، او را در بهشت‌هایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری
 است، و هر کس روی بگرداند او را به عذابی دردناک عذاب می‌کند. (۱۷)

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ
 فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا
 قَرِيبًا ﴿١٨﴾

یقیناً خدا از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت [که در منطقه حدیبیه بود] با تو بیعت
 می کردند خشنود شد، و خدا آنچه را [از خلوص نیت و پاکی قصد] در دل هایشان بود
 می دانست، در نتیجه آرامش را بر آنان نازل کرد، و پیروزی نزدیکی را [که پیروزی در
 خیبر بود] به آنان پاداش داد. (۱۸)

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾

[و پاداش دیگر] غنیمت‌های فراوانی است که آن را به دست می‌آورید؛ و

خدا همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. (۱۹)

وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ
 أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ
 صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾

خدا غنیمت‌های فراوانی را در آینده به شما وعده داده است که به دست می‌آورید، و این
 یک غنیمت را [که فتح خیر است] برای شما پیش انداخت، و دست‌های [تجاوز و
 ستم] مردم را از شما باز داشت تا این [پیروزی‌ها] برای مؤمنان نشانه‌ای [از حَقانیت
 دین و یاری خدا] باشد و تا شما را به راهی راست هدایت کند. (۲۰)

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾

و [غنیمت‌ها و پیروزی‌های] دیگر [ی هست] که شما تا کنون بر آنها
دست نیافته‌اید، بی تردید خدا بر آنها احاطه دارد [و به آسانی می‌تواند
در دسترس شما قرار دهد]؛ و خدا همواره بر هر کاری تواناست. (۲۱)

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْوَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾

اگر کافران با شما بجنگند حتماً پشت کنان می گریزند، آن گاه
سرپرست و یآوری [که از آنان دفاع کند] نمی یابند. (۲۲)

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ
تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾

خدا روشی ثابت و قطعی مقرر کرده است که از پیش [بر پیروزی
مؤمنان و شکست کافران] جاری بوده است، و هرگز برای روش
خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. (۲۳)

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ
 مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرًا ﴿٢٤﴾

و اوست که پس از آنکه شما را [بی جنگ و خونریزی] بر دشمن پیروز و مسلط کرد،
 دست‌های آنان را از [جنگ با] شما و دست‌های شما را از [جنگ با] آنان در دل مکه [که
 منطقه حدیبیه است] باز داشت؛ و خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۴)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ
 مَحِلَّهُ ۚ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ
 فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ لَوْ
 تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾

آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از [ورود به] مسجدالحرام باز داشتند و نیز نگذاشتند قربانی‌هایی که با خود آورده بودید به محل قربانی اش برسد، و اگر مردان و زنان مؤمن ناشناسی در میان مکه نبودند، تا جنگ شما سبب کشته شدن آن بی گناهان شود و در نتیجه امر ناملایم و مکروهی [چون دیه] گریبان شما را بگیرد [شما را از جنگ باز نمی‌داشتیم، ولی بازداشتیم] تا خدا هرکه را [مانند مردان و زنان مومنی که برای شما ناشناخته بودند] بخواهد در رحمتش درآورد. [و] اگر مؤمنان از کافران جدا بودند یقیناً کافران [از اهل مکه] را به عذابی دردناک عذاب می‌کردیم (۲۵)

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ
 اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ
 التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمًا ﴿٢٦﴾

[یاد کن] هنگامی را که کافران [پس از قرارداد صلح حدیبیه] دل‌هایشان را از تعصب و
 خشم شدید جاهلی آکنده کردند، پس خدا هم آرامشش را بر پیامبرش و مؤمنان نازل
 کرد و روح تقوا را [که حقیقت و جان توحید است] ملازم آنان نمود، و آنان به [روح
 تقوا] سزاوارتر و شایسته آن بودند؛ و خدا همواره به هر چیز داناست. (۲۶)

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ ۖ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ
 إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۖ
 فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾

بی تردید خدا رؤیای پیامبرش را به حق و درستی تحقق داد [که در رؤیا وعده داده بود]
 شما قطعاً در حال امن و امنیت در حالی که سرهایتان را تراشیده و موی [یا ناخن] کوتاه
 کرده‌اید و بیمی ندارید، وارد مسجدالحرام خواهید شد. خدا آنچه را که شما نمی‌دانستید
 [که وعده ورود به مسجدالحرام در سال آینده است] دانست و پیش از آن پیروزی نزدیکی
 [که صلح حدیبیه بود برای شما] قرارداد. (۲۷)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه
ادیان پیروز کند، و کافی است که خدا [بر وقوع این حقیقت] گواه
باشد. (۲۸)

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ
 رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ
 أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ
 شَطَأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ
 الْكُفَّارَ ۚ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
 عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر
 مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می طلبند؛ نشانه آنان
 در چهره شان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است
 که وجودشان چون زراعتی است که جوانه های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستر و ضخیم شده، و در
 نتیجه بر ساقه هایش [محکم و استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به
 تعجب می آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و نیرومندی] مؤمنان، کافران را به خشم آورد. [و] خدا به کسانی از
 آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است. (۲۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ^ط

وَاتَّقُوا اللَّهَ^ج إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ای اهل ایمان! بر خدا و پیامبرش [در هیچ امری از امور دین و دنیا و

آخرت] پیشی مگیرید و از خدا پروا کنید که خدا شنوا و داناست. (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ
النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ
تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾

ای مؤمنان! صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید، و آن گونه که با
یکدیگر بلند سخن می گوید با او بلند سخن نگوئید، مبادا آنکه
اعمالتان تباه و بی اثر شود و شما تباهی آن را درک نکنید. (۲)

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾

بی تردید کسانی که صدایشان را نزد رسول خدا پائین می آورند،
همانان هستند که خدا دل هایشان را برای پرهیزکاری امتحان
کرده، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۳)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

یقیناً کسانی که تو را از پشت اطاق‌ها صدا می‌کنند، بیشترشان
معرفت و آگاهی [به حرمت و عظمت تو] ندارند. (۴)

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ^ج وَاللَّهُ
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾

و اگر آنان صبر می کردند تا به سویشان بیرون آیی، یقیناً برای
آنان بهتر بود، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ
تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ
نَادِمِينَ ﴿٦﴾

ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و
تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی، گروهی را آسیب و گزند
رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید. (۶)

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ ۚ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ
لَعَنَتْكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ
إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿٧﴾

و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست [و بر شما واجب است در همه امور از او پیروی کنید]، اگر او در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، قطعاً دچار گرفتاری و زحمت می شوید، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل هایتان بیاراست، و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت، اینان [که دارای این ویژگی ها هستند] هدایت یافته اند. (۷)

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً^ج وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٨﴾

[این محبت و ناخوشایندی نسبت به حق و باطل] عطیه و

نعمتی از سوی خداست؛ و خدا دانا و حکیم است. (۸)

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا^ط فَإِنْ بَغَتْ
إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا^ط الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ
اللَّهِ^ج فَإِنْ فَأَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا^ط إِنَّ اللَّهَ

يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٩﴾

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آنها صلح و آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، با آن گروهی که تجاوز می کند، بجنگید تا به حکم خدا باز گردد. پس اگر بازگشت، میانشان به عدالت و انصاف، صلح و آشتی برقرار کنید؛ و همواره دادگری را پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد. (۹)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ^ج وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۰﴾

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه
نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از
خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، ونباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و با لقب‌های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند. (۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ۖ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] پرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهانند] تفحص و پی جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ
شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ ۚ إِنَّ
اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها
قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی‌ترین شما نزد
خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است. (۱۳)

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا
وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ
لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤﴾

بادیه نشینان گفتند: ما [از عمق قلب] ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوید: اسلام آورده‌ایم؛ زیرا هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است. و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، چیزی از اعمالتان را نمی‌کاهد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ ﴿١٥﴾

مؤمنان فقط کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند، آن گاه [در
حقانیت آنچه به آن ایمان آورده‌اند] شک ننموده و با اموال و جان‌هایشان در
راه خدا جهاد کرده‌اند؛ اینان [در گفتار و کردار] اهل صدق و راستی‌اند. (۱۵)

قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾

بگو: آیا خدا را از دین خود [به خیال اینکه آگاه نیست] خبر می دهید [که از
عمق قلب ایمان آورده اید؟!]. در حالی که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را
در زمین است می داند، و خدا به همه چیز داناست. (۱۶)

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا^ط قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ^ط بَلِ
اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿١٧﴾

از اینکه اسلام آورده‌اند بر تو منت می‌گذارند؛ بگو: اگر [در ادعای
مؤمن بودن] راست‌گویید، بر من از اسلام آوردن خود منت نگذارید،
بلکه خداست که با هدایت شما به ایمان بر شما منت دارد. (۱۷)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

یقیناً خدا نھان آسمان ها و زمین را می داند و خدا به آنچه
انجام می دهید، بیناست. (۱۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
ق، سوگند به قرآن مجید [که محمد، فرستاده ماست و وقوع قیامت
حق است.] (۱)

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا
شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾

[کفر پیشگان نه تنها ایمان نیاوردند] بلکه از اینکه بیم دهنده‌ای از
خودشان به سوی آنان آمد تعجب کردند و در نتیجه کافران گفتند:
این چیزی عجیب است. (۲)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ۖ ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ﴿٣﴾

آیا هنگامی که مردیم و خاک شدیم [زنده می شویم و به حیات دوباره باز می گردیم؟] این بازگشتی دور [از عقل] است. (۳)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ^ط وَعِنْدَنَا كِتَابٌ
حَفِيظٌ^ط ﴿٤﴾

بی تردید ما آنچه را که زمین از اجسادشان می کاهد، می دانیم و نزد ما
کتابی ضبط کننده [همه امور چون لوح محفوظ] است. (۴)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ﴿٥﴾

[اینان نه اینکه زنده شدن پس از مرگ را باور نکردند] بلکه حق را هم هنگامی که به سویشان آمد، تکذیب کردند پس در حالی آشفته و سردرگم اند. (۵)

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا
لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾

آیا با تأمل به آسمان بالای سرشان نگریستند که چگونه آن را بنا
کرده و بیاراستیم و آن را هیچ شکاف [و ناموزونی] نیست؟ (۶)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ
كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٧﴾

و زمین را گسترديم و کوه‌هایی استوار در آن افکندیم و در آن
از هر نوع گیاه خوش منظر و دل انگیزی رویاندیم، (۷)

تَبَصَّرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿٨﴾

تا برای هر بنده‌ای که [با اندیشیدن در نظام هستی] به سوی

خدا باز می‌گردد، مایه بینایی و یادآوری باشد؛ (۸)

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ
الْحَصِيدِ ﴿٩﴾

و از آسمان آبی بسیار پربرکت و سودمند نازل کردیم، پس به
وسیله آن باغ‌ها و دانه‌های دروکردنی را رویاندیم. (۹)

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ﴿١٠﴾

و [نیز] درختان بلند قامت خرما را که خوشه های متراکم و

روی هم چیده دارند [رویانندیم.] (۱۰)

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا ۚ كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ﴿١١﴾

برای آنکه رزق و روزی بندگان باشد، و نیز به وسیله آن آب
سرزمین مرده را زنده کردیم؛ و بیرون آمدنشان [پس از مرگ از
خاک گور برای ورود به قیامت] این گونه است. (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ﴿١٢﴾

پیش از اینان [که تو را تکذیب می کنند] قوم نوح و اصحاب

رس و [قوم] ثمود [پیامبرانشان] را تکذیب کردند. (۱۲)

وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ﴿١٣﴾

و نیز قوم عاد و فرعون و برادران لوط، (۱۳)

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۚ كُلُّ كَذَّابٍ الرَّسُلَ فَحَقَّ
وَعِيدٍ ﴿١٤﴾

و اصحاب ايكه و قوم تُبَّع همگی پیامبران را تکذیب کردند، پس
تهدیدم [به نزول عذاب] بر آنان محقق و ثابت شد. (۱۴)

أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ

جَدِيدٍ ﴿١٥﴾

آیا ما از آفرینش نخستین عاجز و درمانده شدیم [تا از دوباره آفریدن
عاجز و درمانده شویم؟ چنین نیست] بلکه آنان [با این همه دلایل
روشن و استوار] باز در آفرینش جدید در تردیدند. (۱۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ
أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش [نسبت به معاد
و دیگر حقایق] به او وسوسه می کند، می دانیم، و ما به او از رگ
گردن نزدیک تریم. (۱۶)

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾

[یاد کن] دو فرشته‌ای را که همواره از ناحیه خیر و از ناحیه شر،
ملازم انسان هستند و همه اعمالش را دریافت کرده و ضبط
می‌کنند. (۱۷)

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای

نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است؛ (۱۸)

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۖ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ
تَحِيدُ ﴿١٩﴾

و سكرات و بیهوشی مرگ، حق را [که همه واقعیات جهان پس از
مرگ است] می آورد [و به محتضر می گویند:] این همان چیزی
است که از آن می گریختی؛ (۱۹)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢٠﴾

و در صور می دمند؛ آن است روز [تحقق و ظهور] وعده‌های

تهدیدآمیز و وحشتناک. (۲۰)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢١﴾

هر کسی در آن روز می آید در حالی که سوق دهنده ای و شاهدهی
با اوست، [که سوق دهنده او را به محشر می راند و شاهد بر
اعمالش گواهی می دهد.] (۲۱)

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ
فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ﴿٢٢﴾

[به او می گویند:] تو از این روز بزرگ در بی خبری و غفلت
بودی، پس ما پرده بی خبری را از دیده [بصیرت] ات کنار زدیم
در نتیجه دیده ات امروز بسیار تیزبین است. (۲۲)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ﴿٢٣﴾

و [فرشته] همراهش می گوید: این است نامه اعمالش که

همراه من آماده است. (۲۳)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٢٤﴾

[به دو فرشته نگهبان و حافظ اعمال فرمان می دهند] شما دو نفر هر کافر سرسخت و معاندی را در دوزخ اندازید. (۲۴)

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾

[همان که به شدت] مانع خیر و تجاوزکار [از حدود خدا] و تردید

کننده در حقایق [و تردید انداز در دل‌های مردم بود.] (۲۵)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ
الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾

که با خدا معبودی دیگر قرار داد، پس او را در عذاب سخت
اندازید، (۲۶)

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ
بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾

همنشینش [از میان شیطان‌ها] می‌گوید: پروردگارا! من او را به
سرکشی و طغیان و نداشتن، او خودش [به میل خود] در گمراهی
دور و درازی بود. (۲۷)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾

[خدا] می گوید: در پیشگاه من با یکدیگر ستیزه مکنید، بی تردید من تهدید [به عذاب] را پیش از این [از طریق وحی و پیامبران] به شما اعلام کرده بودم. (۲۸)

مَا يُدَلُّ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾

نزد من فرمان [تهدیدآمیز به اینکه هر کس با حال کفر و شرک
وارد آخرت شود حتماً دوزخی است] تغییر نمی یابد و من نسبت
به بندگان ستمکار نیستم. (۲۹)

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ﴿٣٠﴾

[یاد کن] روزی را که به دوزخ می‌گوییم: آیا پر شدی؟

می‌گویند: آیا زیاده‌تر از این هم هست؟ (۳۰)

وَأُزِلْفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾

و بهشت را به پرهیزکاران نزدیک می کند بی آنکه فاصله ای

از آنان داشته باشد. (۳۱)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾

[به آنان می گویند:] این همان است که [در دنیا] وعده داده می شدید [این جایگاه رفیع] برای هر کسی است که [در دنیا به سوی خدا] باز می گشته [و] حافظ و نگهبان [عهد، پیمان الهی و حقوق خدا و مردم] بوده است. (۳۲)

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ﴿٣٣﴾

همان کسی که در نهان از [خدای] رحمان می ترسید و دلی
رجوع کننده [به سوی خدا] آورده است؛ (۳۳)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ۖ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾

به سلامت در آن وارد شوید، امروز روز جاودانگی است (۳۴)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾

در آنجا هرچه بخواهند برای آنان فراهم است، و نزد ما

[نعمت‌های] بیشتری است. (۳۵)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي
الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ﴿٣٦﴾

و چه بسیار اقوامی را که پیش از آنان هلاک کردیم که از آنان
نیرومندتر بودند، و [با نیرویشان] به سرزمین‌ها رفتند [و آنها را فتح
کردند]، آیا توانستند [از عذاب و هلاکت] گریزگاهی بیابند؟ (۳۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ
وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾

بی تردید در سرگذشت پیشینیان مایه پند و عبرتی است برای کسی که نیروی
تعقل دارد، یا با تأمل و دقت [به سرگذشت‌ها] گوش فرا می‌دهد در حالی که
حاضر به شنیدن و فراگیری شنیده‌های خود باشد. (۳۷)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ﴿٣٨﴾

همانا ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش
روز آفریدیم، و هیچ رنج و درماندگی به ما نرسید. (۳۸)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ
الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾

پس [بر آزار مشرکان] شکیبا باش، و پیش از طلوع خورشید و
پیش از غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح
گوی، (۳۹)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾

و در پاره‌ای از شب و نیز پس از سجده‌ها خدا را تسبیح گوی، (۴۰)

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾

و گوش فرا ده روزی که ندا دهنده از جایی نزدیک ندا

می دهد. (۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾

روزی که [همگان] صیحه و فریاد را به حق و درستی می شنوند

[و] آن روز، روز بیرون آمدن [از قبرها] ست. (۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾

بی تردید ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم، و بازگشت به

سوی ماست. (۴۳)

يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ۚ ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا
يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾

روزی که زمین از [روی اجساد] آنان در حالی که [از قبرها بیرون آمده]
شتابان [به سوی ندا کننده خود بروند] بشکافد؛ این گردآوردنشان از گورها
[و حاضر کردنشان در قیامت] بر ما آسان است. (۴۴)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ ۖ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ۖ فَذَكِّرْ
بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

ما به آنچه [دشمنان لجوج بر ضد حقایق] می گویند، داناتریم و تو را
بر آنان تسلطی نیست [که به قبول حقایق وادارشان کنی]؛ پس به
وسیله قرآن کسانی را که از تهدید من می ترسند، بیم ده. (۴۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به بادهای افشان کننده [که ابرهای باران زا و گرده های نرینه و

مادینه گیاهان را می افشانند.] (۱)

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ﴿٢﴾

سوگند به ابرهائی که بار سنگین باران را با خود [به نواحی

مختلف] حمل می کنند. (۲)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ﴿٣﴾

و سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی روی آب دریاها روانند. (۳)

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا ﴿٤﴾

و سوگند به فرشتگانی که [به امر خدا] کارها را [برای تدبیر
امور هستی میان خود] تقسیم می کنند، (۴)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾

که بی تردید آنچه را [از اوضاع و احوال روز جزا] به شما
وعده می دهند، راست و یقینی است. (۵)

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾

و قطعاً [روز] جزا واقع خواهد شد. (۶)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿٧﴾

و سوگند به آسمان که داری اعتدال و زیبایی و آراستگی

است؛ (۷)

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ﴿٨﴾

که شما [در رابطه با قرآن و حقایقی که قرآن با دلیل و برهان
اثبات می کند] در گفتاری متناقض و گوناگون هستید. (۸)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفِكَ ﴿٩﴾

از قرآن [به باطل] منحرف می شود کسی که [از خیر و

سعادت] منحرف شده است. (۹)

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ ﴿۱۰﴾

مرگ بر دروغ پردازان [که بدون دلیل و به ناحق درباره قرآن و

حقایقش سخن پراکنی می کنند.] (۱۰)

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ﴿١١﴾

همانان که در جهالتی عمیق و فراگیر در بی خبری و غفلتی

سنگین فرو رفته اند! (۱۱)

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٢﴾

[همواره] می پرسند: روز جزا چه زمانی خواهد بود؟ (۱۲)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿١٣﴾

همان روزی است که آنان را در آتش می سوزانند. (۱۳)

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٤﴾

[و به آنان گویند:] عذابتان را بپشید، این همان عذابی است که

[از روی ریشخند] شتاب در آمدنش را می خواستید. (۱۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾

بی تردید پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه سارهایند. (۱۵)

أَخْذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ
مُحْسِنِينَ ﴿١٦﴾

آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده دریافت می کنند؛ زیرا
که آنان پیش از این همواره نیکوکار بودند. (۱۶)

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾

آنان اندکی از شب را می خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و

بندگی می گذرانند.] (۱۷)

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٨﴾

و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می کردند. (۱۸)

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿١٩﴾

و در اموالشان حقی برای سائل تهیدست و محروم از

معیشت بود. (۱۹)

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ﴿٢٠﴾

در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و

قدرت خدا] ست. (۲۰)

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢١﴾

و [نیز] در وجود شما [نشانه‌هایی است] آیا نمی بینید؟ (۲۱)

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾

و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان

است (۲۲)

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ
تَنْطُقُونَ ﴿٢٣﴾

پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه را که وعده داده
می‌شوید، حَقّ و یقینی است، همان گونه که شما [وقت سخن
گفتن یقین دارید] سخن می‌گویید. (۲۳)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾

آیا خبر مهمانان ارجمند و بزرگوار ابراهیم به تو رسیده

است؟ (۲۴)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ
مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾

زمانی که بر او وارد شدند، پس سلام گفتند. گفت: سلام،

[شما] مردمی ناشناسید! (۲۵)

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾

پس به سوی خانواده اش بازگشت و گوساله‌ای فربه [و بریان

شده] آورد. (۲۶)

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾

پس آن را نزدیکشان برد [ولی دید نمی خورند]؛ گفت: مگر

نمی خورید؟ (۲۷)

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ وَبَشِّرُوهُ بِغُلَامٍ

عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾

و [در دلش] از آنان احساس ترسی کرد. گفتند: مترس. و او

را به پسری دانا مژده دادند. (۲۸)

فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ

عَقِيمٌ ﴿٢٩﴾

در این میان همسرش [که مژده را شنیده بود] با فریادی [از روی
تعجب] در حالی که به چهره اش زد سر رسید و گفت: پیرزنی نازا
[و فرزند؟!]
(۲۹)

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾

گفتند: پروردگارت چنین گفته است؛ یقیناً او حکیم و

دانا است. (۳۰)